

آسیب‌شناسی بازنمایی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین در کتاب‌های حوزه روابط زناشویی^۱

سجاد عبداللهی نسب^۲، سجاد مهدی زاده^۳، محمدصادق نصراللهی^۴

تاریخ دریافت: ۰۵/۲/۹۰، تاریخ تایید: ۰۵/۴/۷۰

DOI: [10.22034/scm.2026.579956.2005](https://doi.org/10.22034/scm.2026.579956.2005)

چکیده

پژوهش حاضر یک مطالعه میان رشته‌ای از پیوند میان دانش علوم ارتباطات و مطالعات مسائل حوزه خانواده، با اتخاذ خوانشی ارتباطاتی و رویکردی انتقادی، به آسیب‌شناسی بازنمایی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین در کتاب‌های حوزه روابط زناشویی می‌پردازد. با توجه به غلبه رویکردهای روان‌شناختی، تربیتی و هنجاری در این منابع، مسئله محوری پژوهش آن است که این آثار، علیرغم فقدان رویکرد و ادبیات ارتباطاتی صریح، تا چه میزان در انتقال، تبیین و صورت‌بندی مسائل ارتباطاتی زوجین منطبق با دانش ارتباطات انسانی توفیق داشته‌اند. این مطالعه با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی و اتکاء به مدل پارادایمی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین برخاسته از کتاب‌های حوزه روابط زناشویی، مجموعه‌ای گسترده از متون منتخب را بازخوانی و به صورت انتقادی تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد کاستی‌های شناسایی شده بیش از آن که ناشی از فقر داده یا فقدان تجربه زیسته باشد، ریشه در شیوه صورت‌بندی، تحلیل و تبیین مسائل ارتباطاتی زوجین دارند. آسیب‌ها در چهار محور کلان دسته‌بندی می‌شوند: نخست، آسیب‌های مفهومی-صورت‌بندی، شامل ابهام مفهومی، کل‌گویی و فقدان عملیاتی‌سازی مفاهیم ارتباطاتی؛ دوم، آسیب‌های تحلیلی-سطح‌بندی، ناظر بر خلط یا تقلیل سطوح درون‌فردی، میان‌فردی و تعاملی؛ سوم، آسیب‌های فرآیندی-تبیینی، ناشی از غفلت از منطق چرخه‌ای، ساز و کارمحور و تدریجی ارتباطات؛ و چهارم، آسیب‌های تقلیل‌گرایانه و عاملیت‌زدا که با ساده‌سازی پدیده‌های پیچیده ارتباطی و تضعیف نقش کنشگری زوجین همراه است. در مجموع نتایج این پژوهش نشان می‌دهد این کاستی‌ها می‌توانند به شکل‌گیری فهمی ناقص، نادقیق یا غیرارتباط‌محور از مسائل ارتباطاتی زوجین در ذهن خواننده بینجامند.

کلیدواژگان: ارتباطات زناشویی، آسیب‌شناسی ارتباطات میان‌فردی، تحلیل محتوای کیفی، کتاب‌های حوزه روابط زناشویی

^۱ مقاله مستخرج از رساله دکتری در رشته علوم ارتباطات می باشد.

^۲ دانشجوی دکتری رشته علوم ارتباطات، گروه علوم ارتباطات و دانش‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. sajad.abdollahi@srbiau.ac.ir

^۳ استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) s.mahdzadeh@isu.ac.ir

^۴ دانشیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران. m.nasrollahi@isu.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

خانواده بعنوان پایه بنیادین اجتماع و خشت بنای حفظ سنت ها و هنجارها و ارزش های اجتماعی از آغاز پیدایش خود همچون حریمی امن زندگی انسان را در بر می گیرد (شیخیگللو و همکاران، ۱۴۰۲). این نهاد تا نیمه ی قرن نوزدهم نهادی ایستا، تغییرناپذیر و برخوردار از قداست تلقی می شد و هرگونه بحث درباره قوانین ازدواج، روابط خویشاوندی و کارکردهای درونی آن، به منزله تعرض به ارزش های بنیادین اجتماعی تلقی می گردید. با این حال، از اواخر قرن نوزدهم، رویکردهای نوینی پدید آمد که خانواده را نه به عنوان پدیده ای آسمانی، بلکه به مثابه نهادی اجتماعی، تاریخی و مبتنی بر قرارداد میان زن و مرد تحلیل کردند. این تحول نظری، زمینه ساز نقد تقدس خانواده و پرداختن به آن به عنوان ساختاری انسانی و زمینی شد (مقصودی، ۱۳۸۶).

در عصر جهانی شدن، این نگرش های نو با تحولات عینی در ساختار خانواده همراه شد. گیدنز^۵ بر این باور است که جهانی شدن به تضعیف و زوال اشکال سنتی زندگی خانوادگی در جوامع مختلف انجامیده است (گیدنز، ۲۰۰۱) و جامعه ایران نیز طی نیم قرن اخیر از این دگرگونی ها مستثنی نبوده است در این میان، گذار از الگوی «پدرمکانی» و کمرنگ شدن آن در خانواده های هسته ای، منجر به بازتعریف نقش های جنسیتی و ارتقای جایگاه زنان و فرزندان شده است. همچنین، کاهش کمی فرزندان و تغییر در اقتضائات طبیعی زندگی، فرصت های بیشتری برای ارتقای تحصیلی، کسب درآمد و مشارکت اجتماعی زنان فراهم آورده است. این تحولات ساختاری در کنار تضعیف شبکه های حمایتی خویشاوندی، حمایت های دولتی و کاهش نظارت های اجتماعی، موجب گذار مردم به سوی الگوهای زندگی با تمرکز بر کیفیت روابط میان فردی شده است و موجب شده است بخش قابل توجهی از چالش های زندگی مشترک، مستقیماً در بستر تعاملات و ارتباطات میان فردی آنان شکل می گیرد (مدیری و رحیمی، ۱۳۹۶).

باید توجه داشت که تعاملات و روابط عاطفی، ارکان اصلی زندگی اجتماعی هستند که بدون تأمین آن ها، انسان ها قادر به ادامه زندگی مطلوب نخواهند بود (جعفری و همکاران، ۱۴۰۳). با این وجود امروزه بازتعریف نقش های جنسیتی، افزایش مشارکت زنان در بازار کار و هم زمان تداوم انتظارات سنتی از آنان در حوزه خانه و فرزندپروری، ترکیبی از نقش های متعارض را پدید آورده است. از سوی دیگر، انتظار مشارکت بیشتر مردان در مسئولیت های خانگی و عاطفی، بدون فراهم بودن الزاماً مهارت های ارتباطی لازم، زمینه ساز تعارضات تازه ای در روابط زوجین شده است. فشارهای اقتصادی، اشتغال هم زمان زوجین و کاهش زمان تعاملات کیفی نیز بر پیچیدگی این وضعیت افزوده و ارتباط میان فردی زوجین را به یکی از حساس ترین و آسیب پذیرترین سطوح تعامل انسانی تبدیل کرده است.

در چنین بستری، دانش مکتوب - به ویژه کتاب های حوزه روابط زناشویی - نقشی بنیادین در شکل دهی به فهم علمی، حرفه ای و عمومی از ماهیت روابط زناشویی و مسائل ارتباطاتی آن ایفا می کند. این منابع، به ویژه در بافت فرهنگی ایران، نه تنها مرجع اصلی پژوهشگران و دانشجویان این حوزه اند، بلکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر گفتمان های آموزشی، مشاوره ای و درمانی زوجین نیز اثرگذارند. از این رو، نحوه تعریف مفاهیم ارتباطاتی، شیوه روایت مسائل میان فردی، نوع چارچوب های تحلیلی و میزان توجه به سازوکارهای ارتباطات انسانی در این آثار، نقشی تعیین کننده

⁵ Giddens

در شکل‌گیری درک مخاطبان از علل ارتباطی تعارضات زناشویی و شیوه مواجهه با آن‌ها دارد. بدین معنا، کتاب‌های حوزه روابط زناشویی صرفاً بازتاب‌دهنده دانش موجود نیستند، بلکه خود در تولید، تثبیت و بازتولید الگوهای ارتباطی در فهم روابط زوجین مشارکت فعال دارند.

با این حال، بخش قابل‌توجهی از این منابع، مسائل ارتباطی زوجین را در چارچوب رویکردهای روان‌شناختی، اخلاقی، تربیتی یا دینی صورت‌بندی کرده‌اند و کمتر با خوانشی مبتنی بر نظریه‌های علوم ارتباطات انسانی به این موضوع پرداخته‌اند. این امر این احتمال را تقویت می‌کند که در فرایند تبیین مسائل ارتباطی زوجین، برخی ابعاد بنیادین ارتباطاتی - از جمله سطوح معنا، سازوکارهای انتقال پیام، کنشگری و نقش بافت ارتباطی - به صورت ضمنی، پراکنده یا غیرنظام‌مند باقی مانده باشد و مخاطب با برداشتی ناقص یا غیرارتباطاتی از مسائل ارتباطات میان‌فردی خود مواجه شود.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی بازنمایی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین در کتاب‌های حوزه روابط زناشویی است. مطالعه میان‌رشته‌ای این پژوهش در پی آن است تا با اتخاذ خوانش ارتباط‌محور و رویکردی انتقادی، بررسی کند این منابع تا چه میزان توانسته‌اند مفاهیم، سطوح و سازوکارهای ارتباطی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین را مبتنی بر دانش ارتباطات انسانی صورت‌بندی کنند و در نهایت آسیب‌ها، خلأها و کاستی‌های ارتباطاتی موجود در این دانش مکتوب چه می‌باشد.

مرور پیشینه‌ها

ارتباطات انسانی همواره یکی از ارکان بنیادین تعاملات اجتماعی و از حوزه‌های مهم مورد توجه در علوم انسانی بوده است؛ زیرا افزون بر نقش تعیین‌کننده آن در شکل‌گیری، تداوم و کیفیت روابط انسانی، پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی گسترده‌ای نیز بر جای می‌گذارد. در این میان، ارتباطات میان‌فردی زوجین به سبب جایگاه محوری نهاد خانواده و تأثیر آن بر سلامت فردی، خانوادگی و اجتماعی، از اهمیتی ویژه برخوردار است و به همین دلیل در قالب کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های متعدد مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، مرور پیشینه‌ها نشان می‌دهد که در کنار توجه گسترده پژوهشگران به مسائل ارتباطی زوجین، هنوز ضرورت بازخوانی و ارزیابی این منابع از منظر علوم ارتباطات انسانی وجود دارد تا روشن شود این آثار مسائل ارتباطی زوجین را تا چه اندازه بر پایه مفاهیم، سطوح، الگوها و سازوکارهای این دانش صورت‌بندی و تبیین کرده‌اند. بر همین اساس، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی ارتباط‌محور و نگاهی انتقادی، به آسیب‌شناسی بازنمایی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین در کتاب‌های حوزه روابط زناشویی می‌پردازد. فهرست پیشینه پژوهش‌های مرتبط با این پژوهش، به منظور ایجاد انسجام بیشتر، در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱ پیشینه پژوهش

نویسنده و اثر او	نوع منبع	موضوع اصلی	رویکرد غالب	نوع پرداخت	نسبت با این پژوهش : چه دارد / چه ندارد
محکم در آغوشم بگیر ؛ سوزان ام جانسون ^۶ (۲۰۰۸)	کتاب	پیوند عاطفی امن، دلبستگی، ترمیم رابطه زوجین و درمان هیجان محور	روان شناختی / مشاوره ای / ارتباطی	تبیینی / تجویزی	ندارد: مجموعه این پیشینه پژوهش، به تحلیل انتقادی بازنمایی مسائل ارتباطات میان فردی زوجین در
آنچه زنان می خواهند مردان بدانند ؛ باربارا دی آنجلیس ^۷ (۲۰۰۱)	کتاب	نیازهای عاطفی و ارتباطی زنان، عشق، صمیمیت، امنیت روانی و الگوهای ارتباطی در رابطه	مشاوره ای / تربیتی / روان شناختی / ارتباطی	تبیینی / تجویزی	منابع و تدوین چارچوبی منسجم برای آسیب شناسی مفهومی آن ها نمی پردازد.
مردان مریخی و زنان ونوسی ؛ جان گری ^۸ (۱۹۹۲)	کتاب	تفاوت های زن و مرد در نیازهای عاطفی، الگوهای ارتباطی و کاهش تنش	مشاوره ای / تربیتی / روان شناختی / ارتباطی	تبیینی / تجویزی	دارد: توجه به سوء فهم، نیازهای عاطفی متفاوت، گفت وگو، تعارض و بهبود تعامل زوجین
عشق هرگز کافی نیست؛ آرون تمکین بک ^۹ (۱۹۸۸)	کتاب	نقش خطاهای شناختی، سوء تفاهم، افکار منفی و الگوهای ذهنی در تعارضات زناشویی و راه های اصلاح آن	روان شناختی / مشاوره ای	تبیینی / تجویزی	دارد : تبیین علل تعارض زناشویی بر پایه شناخت، سوء تفاهم، خشم، گفت وگو و حل اختلاف
چگونه به همسر خود عشق بورزیم ؛ جان گری (۱۹۵۱)	کتاب	عشق ورزی در زندگی زناشویی، تفاوت های زن و مرد، الگوهای گفت وگو، نیازهای عاطفی، تنش و حفظ رابطه	روان شناختی / ارتباطی / مشاوره ای / تربیتی	تبیینی / تجویزی	دارد: توجه به گفت وگو، سوء تعبیر، تنش، نیازهای عاطفی، مسئولیت های متقابل و مهارت های ارتباطی در رابطه زوجین
ویروس های ارتباط؛ ابراهیم میناق (۱۴۰۱)	کتاب	آسیب ها و الگوهای ناسالم ارتباط زناشویی، انواع ارتباط میان زن و	ارتباطی / مشاوره ای	توصیفی / تبیینی / تجویزی	دارد: تمرکز مستقیم بر ارتباط زناشویی، تعریف ارتباط، انواع

⁶ Susan M. Johnson

⁷ Barbara de Angelis

⁸ John Gray

⁹ Aaron Temkin Beck

	ارتباط، شناسایی الگوهای مخرب مانند تحقیر، سرزنش، مقایسه، واکنش سریع و ارائه راهکارهای اصلاح.		تربیتی / روان‌شناختی	شوهر، و راهکارهای اصلاح تعامل		
	دارد: تحلیل علل بروز و تداوم آسیب در روابط زناشویی، اشاره به عوامل زمینه‌ساز، نگهدارنده و پیامدهای رفتاری.	تبیینی	روان‌شناختی / آسیب‌شناختی	علل، زمینه‌ها و سازوکارهای تداوم خیانت زناشویی در زنان	رساله دکتری	شناسایی عوامل زمینه ساز خیانت زناشویی در زنان ^{۱۰} ؛ امیدافشاری کاشانیان (۱۳۹۷)
	دارد: شناسایی مجموعه‌ای از عوامل تهدیدکننده استحکام خانواده مانند نادیده‌گرفتن حقوق متقابل، نقدن‌پذیری، دخالت اطرافیان و تضعیف مبانی اخلاقی و دینی	تبیینی / تجویزی	دینی / اخلاقی / تربیتی	عوامل اعتقادی، اخلاقی، رفتاری و اجتماعی مؤثر بر فروپاشی خانواده و راهکارهای پیشگیری و درمان از منظر قرآن و روایات ^{۱۱} ؛ محمداسماعیل قاسمی طوسی (۱۳۹۴)	رساله دکتری	عوامل مؤثر بر فروپاشی نظام خانواده و راه‌های پیشگیری و درمان آن از منظر قرآن و روایات ^{۱۱} ؛ محمداسماعیل قاسمی طوسی (۱۳۹۴)
	دارد: تمرکز مستقیم بر یکی از ابعاد مهم روابط زوجین یعنی بعد شناختی و تصورات منفی، و نیز ارائه فنون درمانی آن از منظر اسلام و روان‌شناسی.	تبیینی / تحلیلی / درمانی	روان‌شناختی / دینی	نقش تصورات / شناخت‌های منفی در شکل‌گیری روابط آسیب‌زا میان زوجین و ارائه راهکارهای درمانی	مقاله	نقش تصورات منفی در روابط زوجین و راهکارهای درمان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی ^{۱۲} ؛ مسعود جان بزرگی و همکاران (۱۳۹۷)
	دارد: تمرکز بر زوجین، خانواده، آسیب‌شناسی، و بازخوانی آموزه‌های دینی در نسبت با مسائل خانواده.	توصیفی - تحلیلی / آسیب‌شناختی	دینی / جنسیت‌پژوهی	بررسی و آسیب‌شناسی کارکردهای جنسیتی زن و مرد در خانواده بر پایه دیدگاه قرآنی	مقاله	آسیب‌شناسی کارکردهای جنسیتی زوجین در خانواده از دیدگاه قرآن ^{۱۳} ؛ ابراهیم نعیمی و سمیه کاظمیان (۱۳۹۳)
	دارد: تمرکز مستقیم بر روابط زوجین،	تحلیلی / تبیینی	جنسیت‌پژوهی	بررسی مفهوم فاصله در کنش متقابل زناشویی،	مقاله	تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین:

¹⁰ <https://gani.irandoc.ac.ir/#/articles/7e770483b5f58a1c4a7c0fc891f2a30d>

¹¹ <https://gani.irandoc.ac.ir/#/articles/7a90384ef2341f324cfaa6416616e6b0>

¹² <http://noo.rs/AobaZ>

¹³ <http://noo.rs/XYxJD>

مصادیق و زمینه های شکل گیری ^{۱۴} ؛ سهیلا صادقی و زینب ملکی پور (۱۳۹۲)		انواع آن و زمینه های شکل گیری اش با رویکرد جنسیتی		کنش متقابل، الگوهای ارتباطی، تفاوت تجربه زنان و مردان، و زمینه های اجتماعی-فرهنگی شکل گیری فاصله.
تأثیر رسانه های اجتماعی بر روابط بین فردی زوجین در تانزانیا ^{۱۵} ؛ وینکنت امپو ^{۱۶} (۲۰۱۷)	رساله دکتری	بررسی تأثیر رسانه های اجتماعی بر روابط ارتباطی بین فردی زوجین در دارالسلام تانزانیا	ارتباطی / رسانه ای / جامعه شناختی	دارد: تمرکز مستقیم بر ارتباطات بین فردی زوجین و نقش عامل معاصر محیطی یعنی رسانه های اجتماعی
رابطه ناهماهنگی کلامی - غیرکلامی با عدم تطابق ارتباطی در زوج های متأهل ^{۱۷} ؛ امی وان بون ^{۱۸} (۲۰۰۲)	مقاله	بررسی رابطه ناهماهنگی کلامی - غیرکلامی با عدم تطابق ارتباطی در زوج های متأهل	روان شناختی / ارتباطی	دارد: تمرکز مستقیم بر اختلال های ارتباطی، سوء برداشت عاطفی، و فرایند انتقال / دریافت پیام در رابطه زناشویی
ارتباطات بین فردی در تعاملات غیررسمی شرکای زناشویی ^{۱۹} ؛ مری ان و همکاران ^{۲۰} (۱۹۸۴)	مقاله	بررسی الگوهای ارتباط بین فردی در تعامل روزمره و خوشایند زوج های متأهل	روان شناختی / ارتباطی	دارد: تمرکز مستقیم بر رفتار ارتباطی زوجین، سبک های تعاملی، و الگوهای گفت و گویی در زندگی زناشویی
سوء تفاهم در ارتباطات زناشویی: مطالعه ای بر ارتباطات غیرکلامی زوجین ^{۲۱} ؛ پاتریکیا نولر ^{۲۲} (۱۹۸۰)	مقاله	بررسی سوء تفاهم در ارتباط زناشویی با تمرکز بر پیام های مبهم و نشانه های غیرکلامی	روان شناختی / ارتباطی	دارد: تمرکز مستقیم بر سوء تفاهم ارتباطی، رمز گذاری / رمز گشایی پیام، تفاوت های جنسیتی، و کیفیت ارتباط در زوجین

مرور پیشینه های نظری و تجربی نشان می دهد که پژوهش ها و آثار موجود، هر یک از زاویه ای به مسائل مرتبط با روابط زوجین پرداخته اند؛ چنانکه برخی بر تفاوت های شناختی، روان شناختی و جنسیتی زنان و مردان و نقش آن ها

¹⁴ https://jwdp.ut.ac.ir/article_35472.html

¹⁵ [Impact of Social Media on Interpersonal Communication Relationships amongst Couples in Tanzania](#)

¹⁶ Vincent Mpepo

¹⁷ [The Relationship of Verbal-Nonverbal Incongruence to Communication Mismatches in Married Couples](#)

¹⁸ Amy Van Buren

¹⁹ [Interpersonal Communication in the Casual Interaction of Marital Partners](#)

²⁰ Mary Anne Fitzpatrick and Hal Witteman and Leslie Vance.

²¹ [Misunderstandings in marital communication: A study of couples' nonverbal communication](#)

²² Patricia Noller

در شکل‌گیری سوء تفاهم‌های ارتباطی تمرکز داشته‌اند و برخی دیگر، مسائل زوجین را از منظر الگوهای ذهنی، سبک‌های عاطفی، فاصله ارتباطی، تصورات منفی، کارکردهای جنسیتی یا عوامل بیرونی مانند رسانه‌های اجتماعی بررسی کرده‌اند. همچنین در شماری از این مطالعات، پدیده‌هایی خاص همچون خیانت، فروپاشی خانواده، معاشرت پیش از ازدواج، یا ناهماهنگی کلامی - غیرکلامی به عنوان کانون اصلی تحلیل برگزیده شده است. با وجود این غنای موضوعی و تنوع محتوایی، وجه غالب این آثار آن است که مسائل ارتباطی زوجین عمدتاً با رویکردهای روان‌شناختی، تربیتی، دینی، مشاوره‌ای یا توصیفی مطالعه شده است و کمتر به آن‌ها در قالب یک چارچوب منسجم و ارتباط‌محور نگریسته شده است. از این رو، نحوه صورت‌بندی، تبیین و بازنمایی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین در بخش قابل توجهی از این منابع، کمتر بر پایه مفاهیم، سطوح و سازوکارهای علوم ارتباطات انسانی تحلیل شده است. خلاصه‌ای دقیقاً در همین نقطه آشکار می‌شود: نبود پژوهشی جامع و نظام‌مند که نه صرفاً خود مسائل زوجین، بلکه چگونگی بازنمایی و مسئله‌پردازی این مسائل را در دانش مکتوب موجود بررسی کند. وجه تمایز و ارزش پژوهش حاضر نیز در همین است که با اتخاذ رویکردی ارتباطاتی و با تمرکز بر بازخوانی انتقادی منابع کتابخانه‌ای، می‌کوشد کاستی‌ها، آسیب‌ها و سوگیری‌های احتمالی در نحوه بازنمایی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین را آشکار سازد و میزان انطباق این منابع را با مبانی دانش ارتباطات انسانی بسنجد. بدین ترتیب، این پژوهش نه تنها خلأی مهم در پیشینه را پر می‌کند، بلکه می‌تواند مبنایی نظری و تحلیلی برای بازفهم دقیق‌تر مسائل ارتباطی زوجین و جهت‌دهی علمی‌تر به مطالعات بعدی فراهم آورد.

مبانی نظری

در این پژوهش، چارچوب نظری با هدف فراهم کردن مبنایی ارتباط‌محور برای آسیب‌شناسی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین در کتاب‌های حوزه روابط زناشویی صورت‌بندی شده است. با اتکاء به این پیش‌فرض که بخش قابل توجهی از مسائل زناشویی، ریشه در فرایندها و سازوکارهای ارتباطی دارند، ضروری است پیش از ورود به مرحله تحلیل منابعی که غالباً با رویکردهای غیرارتباطی به این مسائل پرداخته‌اند، مفاهیم بنیادین حوزه ارتباطات - از جمله ارتباط کامل، ارتباط مؤثر و سطوح تحقق آن‌ها - به صورت منسجم و نظام‌مند تبیین شوند تا امکان خوانش دقیق‌تر متون غیرارتباطاتی از منظر ارتباطی فراهم آید. در این راستا، بهره‌گیری از نظریه‌های محوری علوم ارتباطات، از جمله مدل منبع معنی و مدل سطوح ارتباطی، این امکان را فراهم می‌کند که مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین نه به صورت سطحی یا تک‌بعدی، بلکه به عنوان پدیده‌هایی لایه‌مند، پویا و متأثر از سازوکارهای متنوع معنا، کنش و تعامل تحلیل شوند. این چارچوب نظری - به مثابه نقشه‌ای مفهومی و تحلیلی - پژوهشگر را قادر می‌سازد تا نحوه بازنمایی را در منابع، مورد شناسایی و سپس آسیب‌شناسی قرار دهد.

مدل گونه لاسول^{۲۳} و برادوک^{۲۴}

مناسب ترین روش برای توصیف یک کنش^{۲۵} ارتباطی پاسخ به پنج سؤال است که در قالب پنج عبارت کوتاه خلاصه شده است: چه کسی؟ چه می گوید؟ از کدامین کانال؟ به چه کسی؟ با چه تأثیری؟ (Lasswell, 1948). پس از او برادوک دو عبارت دیگر بر پنج عبارت او افزود. پیام در چه وضعیتی ارسال شده است؟ و ارتباط گر با چه هدفی چنین می گوید؟ (Braddock, 1958).

در این پژوهش، سازوکار برقراری ارتباط -در صورت نیاز- بر اساس این هفت پرسش تحلیل می شود تا مشخص شود کتاب های حوزه روابط زناشویی تا چه اندازه به این ابعاد توجه داشته اند. به عبارت دیگر، بررسی می شود که در متون مورد مطالعه، مشخصات فرستنده و گیرنده، محتوا، کانال انتقال، اهداف ارتباط گر، شرایط ارسال پیام و تأثیر پیام چگونه مورد بازنمایی قرار گرفته و آیا این متون به صورت صریح یا ضمنی -با ادبیات غیر ارتباطاتی- به این عناصر بنیادین در منابع خود پرداخته اند یا خیر.

مدل منبع معنی

مدل «منبع معنی» محسنیان راد با تأکید بر نقش بنیادین «معنی» در زندگی انسان ها، ارتباط را فرایندی معنا محور می داند که تحقق آن منوط به مشابهت معنایی میان طرفین ارتباطی است. در این مدل، «منبع معنی» جایگاهی است که معنا در آن شکل می گیرد و متأثر از تجربه های زیسته، باورها، ارزش ها و زمینه های فرهنگی و اجتماعی افراد است؛ از این رو منبع معنی انسان ها هیچ گاه کاملاً یکسان با یکدیگر نیست و همین ناهمسانی می تواند به سوء تفاهم و ناکامی ارتباطی بینجامد. محتوا نیز حاصل آمیختن نشانه ها و نحوه ارائه آن هاست و معنا نه در خود پیام، بلکه در درون انسان شکل می گیرد. این مدل با توجه به مهارت های ارتباطی افراد، وجود پارازیت های ارتباطی و نقش زمینه های روانی، اجتماعی و فرهنگی، ارتباط انسانی را فرایندی غیرپاستوریزه و وابسته به بستر می داند. در نهایت، با تأکید بر خصلت تراکنشی^{۲۶} ارتباط، تفکیک میان فرستنده و گیرنده را ناممکن تلقی کرده و موفقیت یا ناکامی ارتباط را پدیده ای مشترک و دوسویه می شمارد (محسنیان راد، ۱۳۹۶، ۶۲۹).

در این پژوهش، مدل منبع معنی به عنوان چارچوبی تحلیلی برای خوانش ارتباط محور کتاب های حوزه روابط زناشویی به کار گرفته می شود. این مدل امکان آن را فراهم می آورد که بررسی شود منابع مورد مطالعه تا چه اندازه به تفاوت منبع های معنایی زوجین، نقش تجربه های زیسته، باورها و زمینه های فرهنگی در شکل گیری ارتباط یا سوء تفاهم ارتباطی توجه داشته اند. همچنین با اتکا به این چارچوب، ردیابی می شود که آیا منابع معنا را امری برآمده از فرایند تعاملی و دوسویه تلقی کرده اند یا آن را صرفاً به پیام، محتوا یا نیت فرستنده فروکاسته اند. در این معنا، مدل منبع معنی

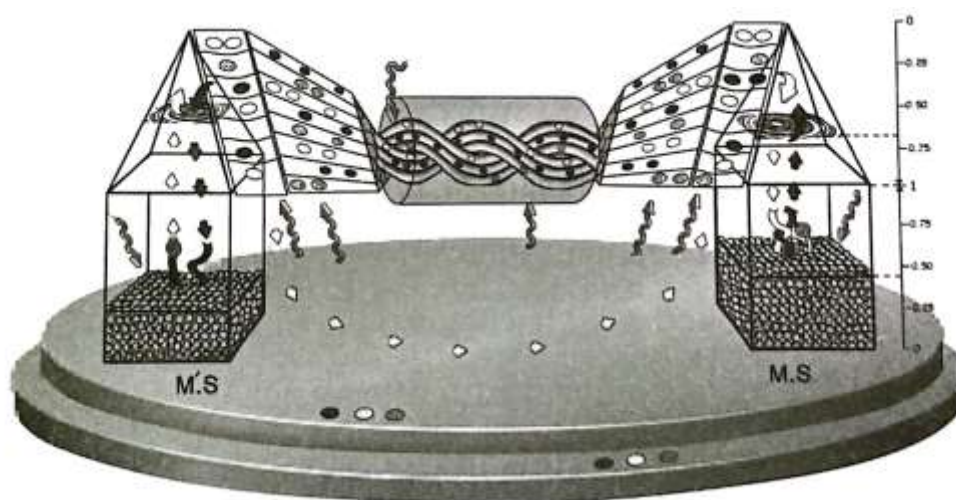
²³ Lasswell

²⁴ Braddock

²⁵ Action

²⁶ Transactional

نه به عنوان معیار ارزیابانه، بلکه به مثابه مجموعه‌ای از شاخص‌های مفهومی به کار می‌رود تا نحوه بازنمایی یا غفلت کتاب‌های حوزه روابط زناشویی از ابعاد معنامحور ارتباط فراگردی^{۲۷} در تحلیل روابط زوجین شناسایی شود.



شکل ۱ مدل ارتباط فراگردی منبع معنی

ارتباط کامل

اگر معنی مورد نظر در فرستنده پیام را با حرف M و معنی متجلی شده در گیرنده پیام را با حرف M' نمایش دهیم، ارتباط وقتی بصورت کامل برقرار خواهد شد که نسبت این دو برابر با یک باشد (محسنیان‌راد، ۱۳۹۶، ۲۴)، یعنی مشابهت کامل معنایی میان طرفین ارتباطی برقرار شده است. باید خاطر نشان کرد دستیابی به ارتباط کامل به هیچ عنوان یک مسیر هموار به حساب نمی‌آید. آدلر^{۲۸} (۲۰۰۹) در این رابطه در جایی از کتاب خود به نام درک ماهیت انسانی^{۲۹} می‌نویسد «در ارتباط، مشکل از زمانی آغاز می‌شود که مردم به اشتباه می‌انگارند که دیگران لغات را در همان معنایی که آنها به کار می‌گیرند استفاده می‌کنند (آدلر، ۲۰۰۹، ۷۰).

در این پژوهش «ارتباط کامل» به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن معنای مورد نظر فرستنده پیام (یکی از زوجین) با معنای دریافت‌شده توسط گیرنده (همسر خود) از حداکثر میزان هم‌سویی و انطباق برخوردار باشد. این مشابهت معنایی در بستر روابط میان‌فردی زوجین، ناظر بر کاهش سوءبرداشت‌ها و نزدیک‌شدن به درکی مشترک از مفاهیم، انتظارات و احساسات متقابل است؛ درکی که می‌تواند -به صورت صریح یا ضمنی- در تعاملات ارتباطی زوجین در این منابع بازنمایی شده باشد.

²⁷ Process of Communication

²⁸ Adler

²⁹ Understanding Human Nature

ارتباط مؤثر

مفهوم «ارتباط مؤثر» در آثار علی اکبر فرهنگی و محسنیان راد، ناظر بر فرایندی فراتر از انتقال پیام و تبادل اطلاعات است. فرهنگی (۱۳۹۷) بر کنش‌مندی ارتباط تأکید می‌کند و معتقد است تمام ارتباطات و فراگرد حاکم بر آن - از جمله فهم معنا، تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و گسترش روابط - تنها زمانی واجد معنا هستند که در زمان و مکان معین به کار گرفته شوند. از نظر او، اثربخشی ارتباط در ایجاد دگرگونی در نگرش و رفتار مخاطب و بروز واکنش‌های جدید از طریق بازخور تحقق می‌یابد و گذار از «فهم معنا» به «موافقت» و سپس به «عمل»، سطوح متفاوت و پیچیده‌تری از ارتباط را نشان می‌دهد (فرهنگی، ۱۳۹۷، ۵۳). در امتداد این نگاه، محسنیان راد (۱۳۹۶) با طرح ماهیت تراکنشی^{۳۰} ارتباط، بر این نکته تأکید دارد که ارتباط زمانی مؤثر تلقی می‌شود که کنش متقابل میان افراد به درک مشترک، پیوند عاطفی، احساس نیاز متقابل یا تعامل معنادار فراتر از تبادل پیام‌های لفظی بینجامد (محسنیان راد، ۱۳۹۶، ۳۹). در مجموع، هر دو دیدگاه، ارتباط مؤثر را فرایندی پویا، دوسویه و کنش‌محور می‌دانند که تحقق آن مستلزم پیوند معنا با عمل در بستر تعامل انسانی است.

با بهره‌مندی از «ارتباط مؤثر» بررسی می‌شود منابع مورد مطالعه تا چه اندازه و به چه شیوه‌ای به پیوند میان گفت‌وگو، تفاهم و پیامدهای عملی ارتباط در زندگی مشترک توجه داشته‌اند، و در چه سطحی این مؤلفه‌ها به صورت صریح، ضمنی یا مغفول در منابع کتابخانه‌ای باقی مانده است. در این چارچوب، مفهوم ارتباط مؤثر به مثابه مجموعه‌ای از شاخص‌ها و پارامترهای تحلیلی به کار گرفته می‌شود تا نحوه بازنمایی یا غیبت ابعاد تراکنش‌محور ارتباط در منابع کتابخانه‌ای -مستقل از رویکرد نظری آن‌ها- مورد بررسی قرار گیرد.

مدل ارتباطی اس ام سی آر^{۳۱} دیوید برلو^{۳۲}

مدل ارتباطی اس ام سی آر فرایندی متشکل از چهار عنصر منبع، پیام، کانال و گیرنده است، اما نقطه کانونی آن تأکید بر ویژگی‌های انسانی منبع (ارتباط‌گر) و گیرنده (ارتباط‌گیر) است. برلو نشان می‌دهد که هر یک از منبع و گیرنده واجد مهارت‌های ارتباطی، نگرش‌ها، سطح دانش و جایگاه اجتماعی-فرهنگی‌اند و این مؤلفه‌ها مستقیماً بر تولید، رمزگذاری، انتقال و رمزگشایی پیام اثر می‌گذارند. در این مدل، پیام صرفاً محتوا نیست، بلکه از سه وجه رمز، محتوا و نحوه ارائه تشکیل می‌شود و کانال‌های ارتباطی نیز به حواس پنج‌گانه انسانی تقسیم می‌گردند. برلو با برجسته‌کردن نقش گیرنده، ارتباط مؤثر را منوط به تناسب رمزها، محتوا و نحوه ارائه پیام با ویژگی‌های ارتباطی و زمینه اجتماعی-فرهنگی او می‌داند.

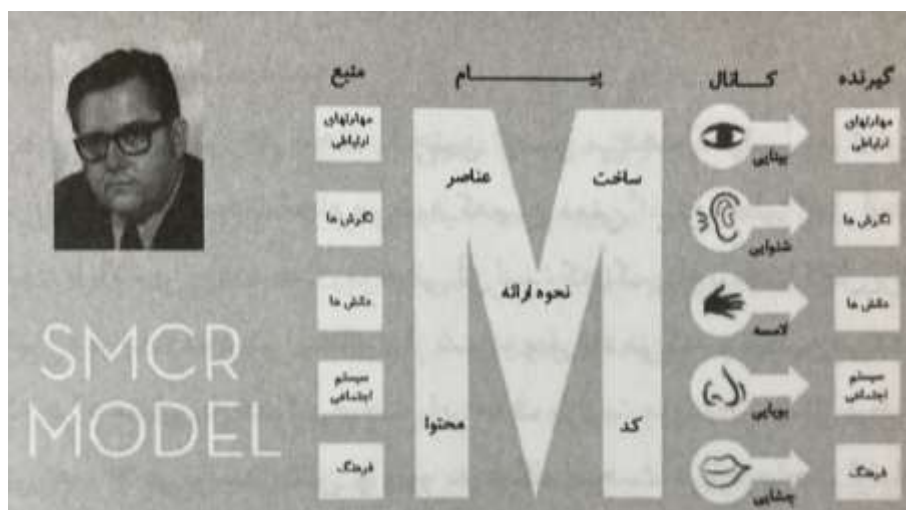
در این پژوهش، مدل ارتباطی برلو به مثابه چارچوبی تحلیلی برای آسیب‌شناسی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین به کار گرفته می‌شود. این مدل امکان آن را فراهم می‌آورد که کتاب‌های حوزه روابط زناشویی از منظر توجه یا غفلت آن‌ها نسبت به عناصر بنیادین فرایند ارتباطی بررسی شوند؛ از جمله میزان توجه به تفاوت‌های مهارت‌های ارتباطی

³⁰ Transactional

³¹ SMCR Model Communication

³² David Berlo

زوجین، ناهم‌ترازی نگرش‌ها و دانش ارتباطی، نادیده گرفتن جایگاه اجتماعی-فرهنگی زوج‌ها، و تقلیل پیام به صرف محتوا بدون ملاحظه رمزها و نحوه ارائه.



شکل ۲ مدل اس ام سی آر دیوید برلو

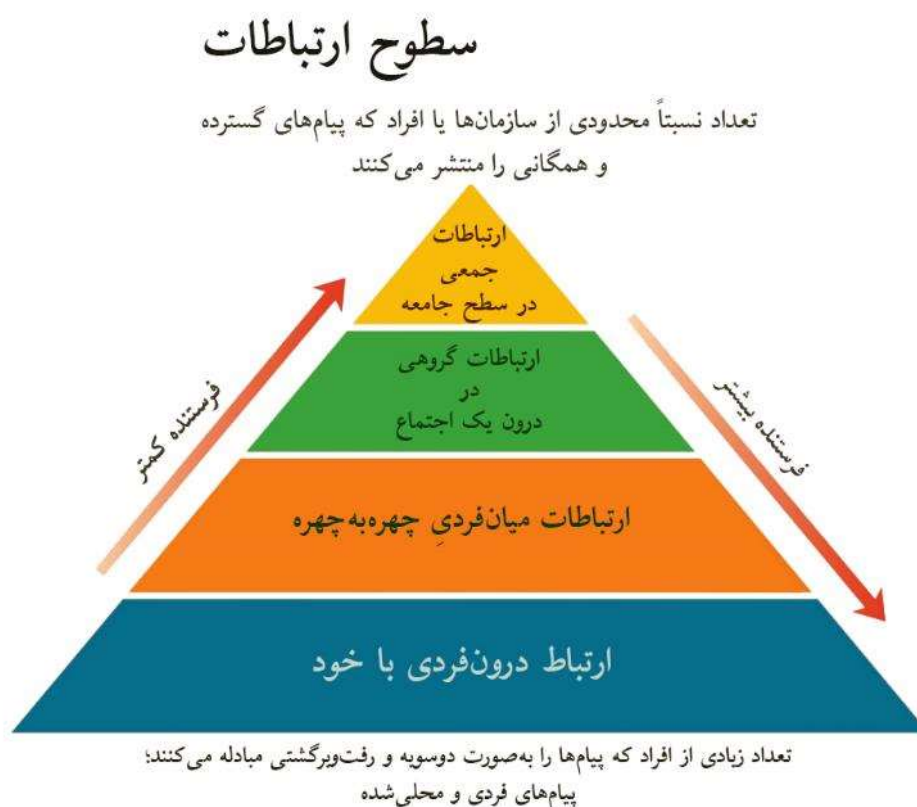
مدل سطوح ارتباطی

از مشهورترین دسته بندی گونه های ارتباط، «مثلث سطوح ارتباط»^{۳۳} دنیس مک کوئیل^{۳۴} است (مک کوئیل، ۱۳۸۲، ۲۶) که صرفاً ارتباطات انسان با انسان را مد نظر قرار داده است. این مدل، ارتباطات انسانی را در قالب یک پیوستار سلسله‌مراتبی تبیین می‌کند که از درونی‌ترین سطح آغاز شده و به گسترده‌ترین سطح اجتماعی می‌رسد. در این چارچوب، ارتباط درون‌فردی به‌عنوان زیربنای سایر سطوح ارتباطی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا شیوه ادراک، تفسیر و گفت‌وگوی درونی فرد، کیفیت ارتباطات میان‌فردی او را شکل می‌دهد. در ادامه این پیوستار، ارتباط میان‌فردی قرار می‌گیرد که نخستین سطح عینی و تعاملی ارتباط انسانی و کانون شکل‌گیری روابط صمیمی و معنادار، از جمله روابط زناشویی، محسوب می‌شود. براساس این مدل، برداشت‌ها، انتظارات، هیجانات و باورهای فردی، چگونگی ارسال، دریافت و تفسیر پیام‌ها در تعامل با دیگری را تعیین می‌کنند؛ از این‌رو، ارتباط میان‌فردی صرفاً تبادل پیام نیست، بلکه عرصه تراکنش معانی و هیجانات دو فرد است. سطح بعدی، ارتباط گروهی است که به تعاملات ارتباطی بیش از دو نفر در قالب یک واحد اجتماعی نسبتاً پایدار اشاره دارد و خانواده نمونه برجسته آن به‌شمار می‌آید. ارتباط گروهی بر شالوده روابط میان‌فردی اعضا بنا می‌شود و الگوهای ارتباطی زوجین به‌تدریج به هنجارها و فضای ارتباطی کل خانواده تعمیم می‌یابد. در این چارچوب، مک کوئیل با تأکید بر پیوستگی سطوح ارتباطی نشان می‌دهد که هر سطح متأثر از سطح پیشین است و بستر شکل‌گیری سطح بعدی را فراهم می‌سازد؛ امری که اهمیت تحلیل ارتباط درون‌فردی و میان‌فردی را در فهم مسائل ارتباطی زوجین برجسته می‌کند.

³³ Levels of Communication

³⁴ Denis McQuail

در این پژوهش، مدل سطوح ارتباطی مک کوئیل به عنوان چارچوبی تحلیلی برای خوانش ارتباط محور کتاب های حوزه روابط زناشویی به کار گرفته می شود. این مدل امکان شناسایی آن را فراهم می آورد که منابع مورد بررسی مسائل زوجین را در کدام سطح ارتباطی بررسی کرده اند و تا چه اندازه به پیوند میان سطوح درون فردی، میان فردی و گروهی توجه نشان داده اند. بر این اساس، بررسی می شود که آیا منابع، ریشه مسائل ارتباطات میان فردی زوجین را صرفاً در سطح تعاملات دوتایی یا ساختار خانواده تحلیل کرده اند، یا به نقش پررنگ سطح درون فردی و تأثیر آن ها بر کیفیت ارتباط میان فردی نیز توجه داشته اند. در این چارچوب، مدل مک کوئیل به مثابه نقشه ای مفهومی برای ردیابی سطح تحلیل ارتباطی و شناسایی خلأها یا گسست های سطحی در منابع مورد مطالعه به کار گرفته می شود.



شکل ۳ سطوح ارتباطات در مدل مک کوئیل (۱۳۸۲)

آنچه بعنوان چارچوب نظری مطرح شد، نمونه کاملی از عناصر، مفاهیم و سازوکارهایی خواهد بود که در آسیب شناسی مسائل ارتباطات میان فردی استفاده خواهد شد. اگرچه این منابع فاقد رویکرد ارتباطاتی هستند اما نظر به اینکه به مسائل ارتباطی میان فردی زوجین پرداخته اند، ضرورت دارد تا این عناصر و مفاهیم و سازوکارهای ناظر بر این چارچوب نظری، درونمایه متن آنها باشد. در غیر این صورت مسائل ارتباطات میان فردی زوجین در این منابع واجد آسیب ارزیابی خواهد شد و زمینه ساز انتقال ناقص، نادرست مسائل ارتباطی زوجین به خواننده خود خواهند بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی از نوع کتابخانه‌ای است که با هدف آسیب‌شناسی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین در کتاب‌های حوزه روابط زناشویی انجام شده است. با توجه به اینکه بخش قابل‌توجهی از این منابع با رویکردهای روان‌شناختی، اخلاقی، تربیتی یا دینی نگاشته شده‌اند و عمدتاً در چارچوب نظریه‌های ارتباطات انسانی صورت‌بندی نشده‌اند، این پژوهش با اتخاذ خوانشی ارتباط‌محور و رویکردی انتقادی، به بازخوانی و آسیب‌شناسی مسائل ارتباطات میان‌فردی زوجین در این منابع پرداخته است. منابع پژوهش از پایگاه مجازی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران^{۳۵} - به‌عنوان مرجع رسمی و معتبر ملی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - شناسایی و گردآوری شدند. انتخاب منابع به‌صورت هدفمند و ملاک‌محور انجام گرفت. ملاک‌های انتخاب شامل فارسی‌بودن و دسترس‌پذیری عمومی در ایران، تمرکز مستقیم بر روابط میان‌فردی زوجین و آسیب‌های روابط آنها، اعتبار علمی نویسنده، مترجم یا ناشر اثر، و قابلیت استخراج مضامین ارتباطی از متن بود. در مقابل، آثاری که عمدتاً به موضوعات پیش از ازدواج، بیان راهکارها یا اختلالات تخصصی روان‌پزشکی می‌پرداختند، از تحلیل کنار گذاشته شدند؛ چراکه این پژوهش ناظر بر آسیب‌های ارتباطات میان‌فردی زوجین در بستر زندگی مشترک است، نه مسائل پیش از ازدواج، نه راهکارهای درمانی و مداخله‌ای، و نه اختلالاتی که بررسی آنها در حوزه پژوهش‌های تخصصی روان‌پزشکی قرار می‌گیرد. فرایند جستجو به‌صورت نظام‌مند و با استفاده از جستجوی پیشرفته، بر اساس شاخص‌هایی همچون عنوان اثر، نام نویسنده، ناشر، موضوع، سال انتشار و نوبت چاپ انجام شد. همچنین، شناسایی منابع از شش مسیر شامل (۱) ناشران فعال در حوزه زوجین، (۲) نویسندگان و مترجمان شاخص، (۳) منابع معرفی‌شده به پژوهشگر از سوی اساتید این حوزه، (۴) کلیدواژگان درج‌شده توسط ناشران در سایت نمایشگاه، (۵) کتاب‌های پیشنهادی سایت نمایشگاه کتاب^{۳۶}، و نهایتاً (۶) جستجوی واژگان عام‌تر شامل «خانواده»، «ازدواج»، «زناشویی»، «زوجین»، «زن و شوهر» و «همسر» صورت گرفت؛ تا اطمینان حاصل شود که در فرایند شناسایی منابع، اثر واجد شرایطی به دلیل محدودیت کلیدواژه‌های تخصصی از قلم نیفتاده است. در مجموع، ۴۴ کتاب شناسایی و تهیه شد که پس از بررسی محتوای آنها، ۷ منبع به دلیل نداشتن تمرکز کافی بر مسائل ارتباطی زوجین از فرایند مطالعه پژوهشگر حذف شدند و ۳۷ منبع واجد شرایط به‌صورت هدفمند به‌عنوان واحدهای مورد مطالعه انتخاب شدند. کفایت نمونه نیز زمانی احراز شد که مسیرهای مختلف جستجو به منبع جدید واجد شرایطی منتهی نشد و نتایج استخراجی به تکرار رسید. روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی هدایت‌شده و با تمرکز بر تحلیل «نحوه بیان» بود. کریپندورف^{۳۷} (۲۰۱۲) تحلیل محتوا را بررسی نظام‌مند، دقیق و تفسیرگرانه مواد ارتباطی به‌منظور شناسایی الگوها، گرایش‌ها، معانی و مضامین تعریف می‌کند. این روش امکان بررسی لایه‌های آشکار و پنهان معنا و مفاهیم مستتر در متون را فراهم می‌سازد (آذر، ۱۳۸۰: ۵). به نقل از قاسمی، ۲۵۶: ۱۴۰۰. در پژوهش حاضر، به‌کارگیری این روش با هدف توصیف و

۳۵ آخرین مشاهده: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ <https://book.icfi.ir/>

۳۶ انتهای صفحه معرفی مربوط به هر کتاب، آثاری به عنوان پیشنهادی مرتبط به کاربر نمایش داده می‌شد و این پیشنهادها به‌منابه مسیری تکمیلی برای شناسایی منابع هم‌موضوع مورد استفاده پژوهشگر قرار گرفت.

۳۷ Krippendorff

تبیین کیفی نحوه بازنمایی مسائل ارتباطات میان فردی زوجین در کتاب های حوزه روابط زناشویی و شناسایی کاستی های موجود در این بازنمایی ها صورت گرفت.

در این پژوهش، ۳۷ منبع از کتاب های منتخب به طور کامل مطالعه شد. با اتکا به چارچوب نظری مقاله، پژوهشگر نسبت به داده های واجد آسیب های ارتباطی زوجین حساسیت نظری پیدا کرد و هر پاراگرافی را که متضمن مسئله، ضعف، ابهام یا کاستی در بازنمایی مسائل ارتباطی زوجین بود، همزمان با مطالعه، در فایل جداگانه ای ثبت و فیش برداری کرد. واحد ثبت در این مرحله، پاراگراف های مرتبط، و واحد تحلیل، مفاهیم و کدهای دلالت کننده بر آسیب های ارتباطی مستتر یا آشکار در آن پاراگراف ها بود.

کدگذاری اولیه بدین صورت انجام شد که برای هر پاراگراف، متناسب با محتوای آن، یک یا چند عبارت کوتاه مفهومی به منزله کد آسیب ثبت می شد. از آنجا که یک پاراگراف می تواند بیش از یک دلالت ارتباطی داشته باشد، محدودیتی برای اختصاص چند کد به یک واحد متنی در نظر گرفته نشد. ملاک کدگذاری، تشخیص آسیب در تبیین ارتباطی مسائل ارتباطی میان فردی زوجین در منبع بود؛ برای مثال، کدهایی نظیر «نادیده گرفتن ماهیت لایه مند مفاهیم ارتباطی»، «فقدان تبیین سازوکار ارتباطی» یا «غلبه داوری هنجاری بر تحلیل ارتباطی» به پاراگراف ها اختصاص یافت. در مجموع، ۲۰۵۰ مفهوم ارتباطی از منابع استخراج شد که با احتساب مشابتهت ها و هم پوشانی های درون متنی و بین متنی، همگی به عنوان شواهد تحلیلی در دسته های مربوط حفظ شدند و حذف کدهای تکرار شونده صورت نگرفت؛ زیرا تکرار کدها خود به مثابه مؤیدی برای تثبیت دسته بندی ها و نام گذاری دقیق تر عنوان دسته ها در نظر گرفته شد.

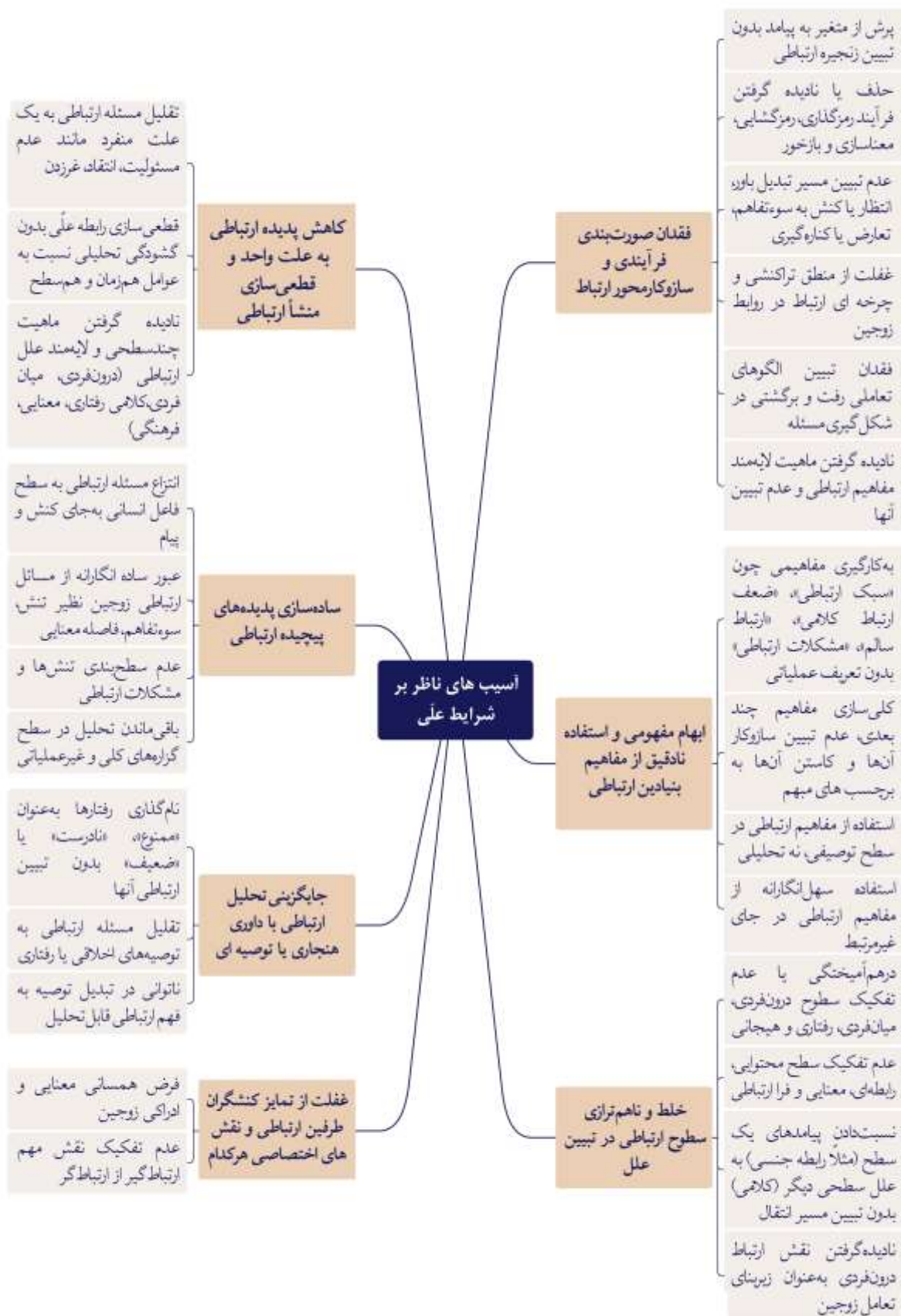
پس از کدگذاری اولیه، کدهای جدید فاقد هم پوشانی شناسایی و تجمیع شدند و سپس از طریق مقایسه مداوم، در دسته های مفهومی نزدیک به هم قرار گرفتند. در ادامه، فرایند انتزاع از جزء به کل انجام شد و کدها از سطح مفاهیم اولیه به سطوح کلان تر ارتقاء یافتند. این فرایند، با توجه به سازمان دهی پیشین داده های رساله بر اساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین، در درون پنج بخش شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، راهبردها (کنش و کنش متقابل)، و پیامدها پیگیری شد. به بیان دیگر، داده های کدگذاری شده پژوهش پیشین در این مقاله با تمرکز تازه بر آسیب شناسی بازنمایی مسائل ارتباطات میان فردی زوجین، مجدداً بازخوانی، بازبینی و مقوله بندی شدند؛ بی آنکه نیاز به بازخوانی کامل متن همه منابع از ابتدا باشد.

در تحلیل «نحوه بیان»، توجه اصلی به چگونگی صورت بندی مفاهیم ارتباطی در متن معطوف بود؛ از جمله ابهام مفهومی، کلی گویی، فقدان عملیاتی سازی مفاهیم، خلط سطوح درون فردی و میان فردی، غفلت از منطق فرایندی و چرخه ای ارتباط، جایگزینی تحلیل ارتباطی با داوری هنجاری یا توصیه ای، ساده سازی پدیده های پیچیده ارتباطی، و تضعیف عاملیت زوجین. بر پایه این فرایند، آسیب ها در چهار محور کلان دسته بندی شدند: (۱) آسیب های مفهومی - صورت بندی، (۲) آسیب های تحلیلی - سطح بندی، (۳) آسیب های فرایندی - تبیینی، و (۴) آسیب های تقلیل گرایانه و عاملیت زدا.

برای افزایش قابلیت اتکای تحلیل، کدها سه مرتبه با پاراگراف های اصلی خود تطبیق داده شدند و در هر مرحله، دقت و نزدیکی آن ها به متن اولیه بازبینی و در صورت نیاز اصلاح و بهینه شد. این بازگشت مکرر به داده های اصلی، همراه با حفظ همه فیش های کدگذاری شده در دسته های مرتبط، امکان کنترل مستمر سازگاری میان تفسیر پژوهشگر و متن منابع را فراهم ساخت و به انسجام و تمایز مقوله های نهایی انجامید.

یافته های پژوهش

یافته های پژوهش ناظر به پرسش اصلی «آسیب شناسی مسائل ارتباطات میان فردی زوجین در کتاب های حوزه روابط زناشویی» به تفکیک پنج عنصر پارادایمی شرایط علی، شرایط مداخله گر، شرایط زمینه ای، راهبردها (کنش و کنش متقابل) و پیامدها به شرح زیر است.



شکل ۴ آسیب های ناظر بر شرایط علی

آسیب های ناظر بر شرایط علی

بررسی کتاب های مورد مطالعه نشان می دهد که شرایط علی مسائل ارتباطات میان فردی زوجین اغلب به صورت تقلیل یافته، غیرلایه مند و فاقد صورت بندی ارتباطی تبیین شده اند. در بسیاری از آثار، علل ارتباطی یا به یک عامل منفرد فروکاسته شده یا در قالب مفاهیمی کلی و پیش فرض گونه مطرح گردیده اند، بی آنکه در چارچوب نظام معنا، زمینه ادراکی و فرآیندهای تعاملی زوجین تحلیل شوند. افزون بر این، غفلت از تبیین سازوکارهای ارتباطی میان سطوح درون فردی، میان فردی، رفتاری و معنایی، موجب شده مسیر تبدیل باورها، انتظارات و کنش های ارتباطی به سوء تفاهم و تعارض زناشویی روشن نشود. مفاهیم کلیدی ارتباطاتی نیز غالباً بدون تعریف عملیاتی، تفکیک سطوح تحلیل و ارجاع به عناصر بنیادین فرآیند ارتباط به کار رفته اند که به ابهام مفهومی و خلط تحلیلی انجامیده است. در مجموع، شرایط علی در این منابع بیش از آنکه بصورت فرآیندی، تعاملی و معنامحور صورت بندی شوند، در قالب گزاره هایی کلی، هنجاری یا توصیه محور بازنمایی شده اند؛ امری که ضرورت اصلاح این ادبیات را برجسته می سازد.



شکل ۵ اسباب های ناظر بر شرایط مداخله گر

آسیب های ناظر بر شرایط مداخله گر

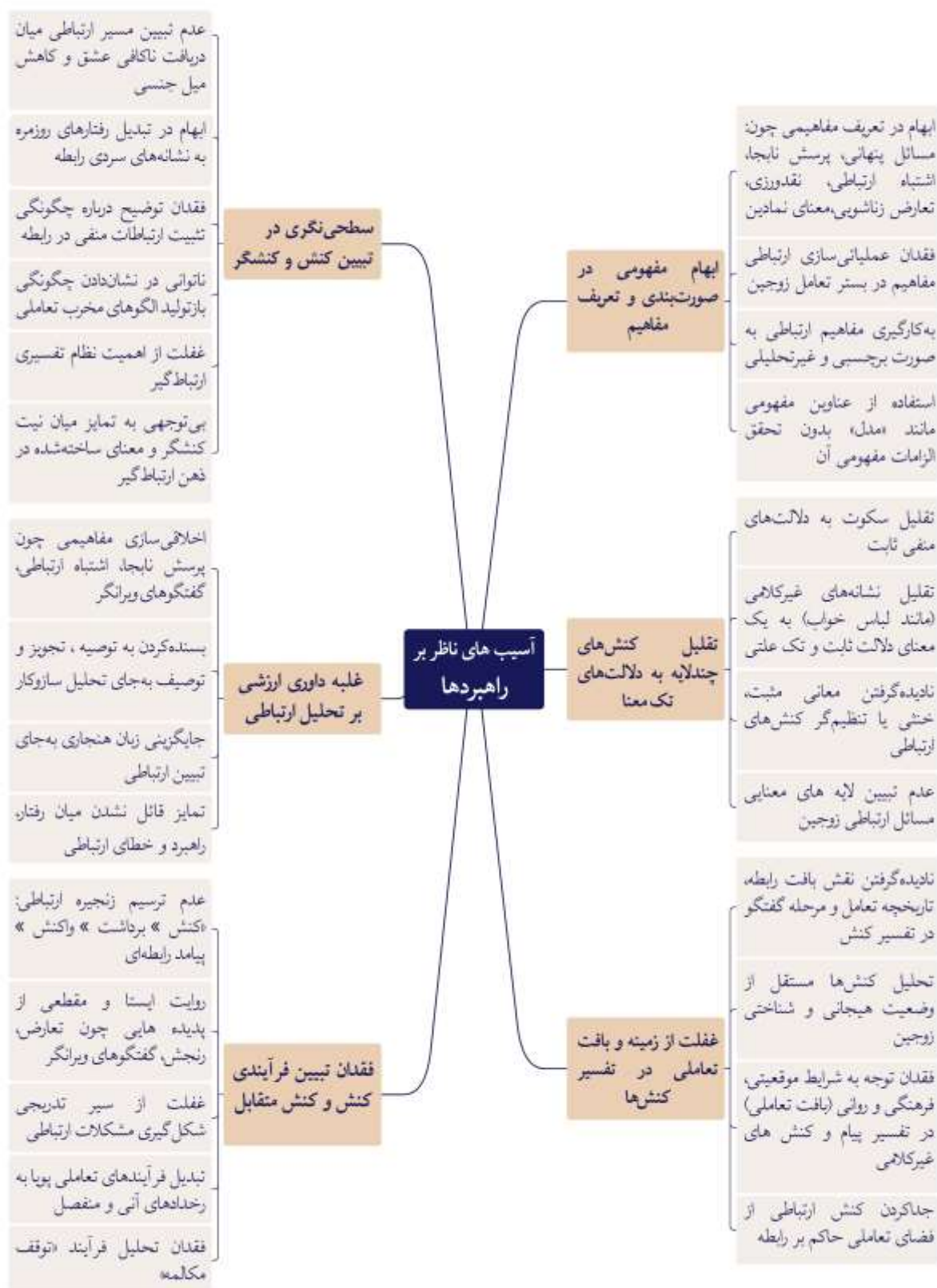
بررسی کتاب های مورد مطالعه نشان می دهد که این آثار به طیفی متنوع از مداخله گرهای مؤثر بر فراگرد ارتباطی زوجین توجه کرده و از حیث شناسایی مصادیق، پوشش نسبتاً گسترده ای ارائه داده اند. عواملی مانند صمیمیت مفرط، عصبانیت، ابعاد ارتباطی شخصیت، انحرافات شناختی، انتظارات نادرست و ضعف های ارتباطی به عنوان متغیرهایی مطرح شده اند که می توانند مسیر تعاملات زوجین را تعدیل یا تشدید کنند. با این حال، آسیب اصلی این بخش نه در شناسایی عوامل، بلکه در نحوه صورت بندی آنهاست. مفاهیم یاد شده اغلب در حد نام گذاری باقی مانده و به سطح تحلیل فرآیندی و ارتباط محور نرفته اند و پیوند آنها با مراحل ارسال، دریافت، تفسیر و بازخورد پیام روشن نشده است. فقدان تبیین سازوکارهای ارتباطی، عدم تفکیک سطوح تحلیلی، غفلت از روایت های چرخه ای و کاربرد استعاری یا هنجاری مفاهیم، موجب شده نقش واقعی این مداخله گرها در پویایی تعاملات زناشویی به طور دقیق احساس نشود و در نتیجه، فهم ارتباطی این بخش با محدودیت مواجه بماند.



شکل ۶ آسیب های ناظر بر شرایط زمینه ای

آسیب های ناظر بر شرایط زمینه ای

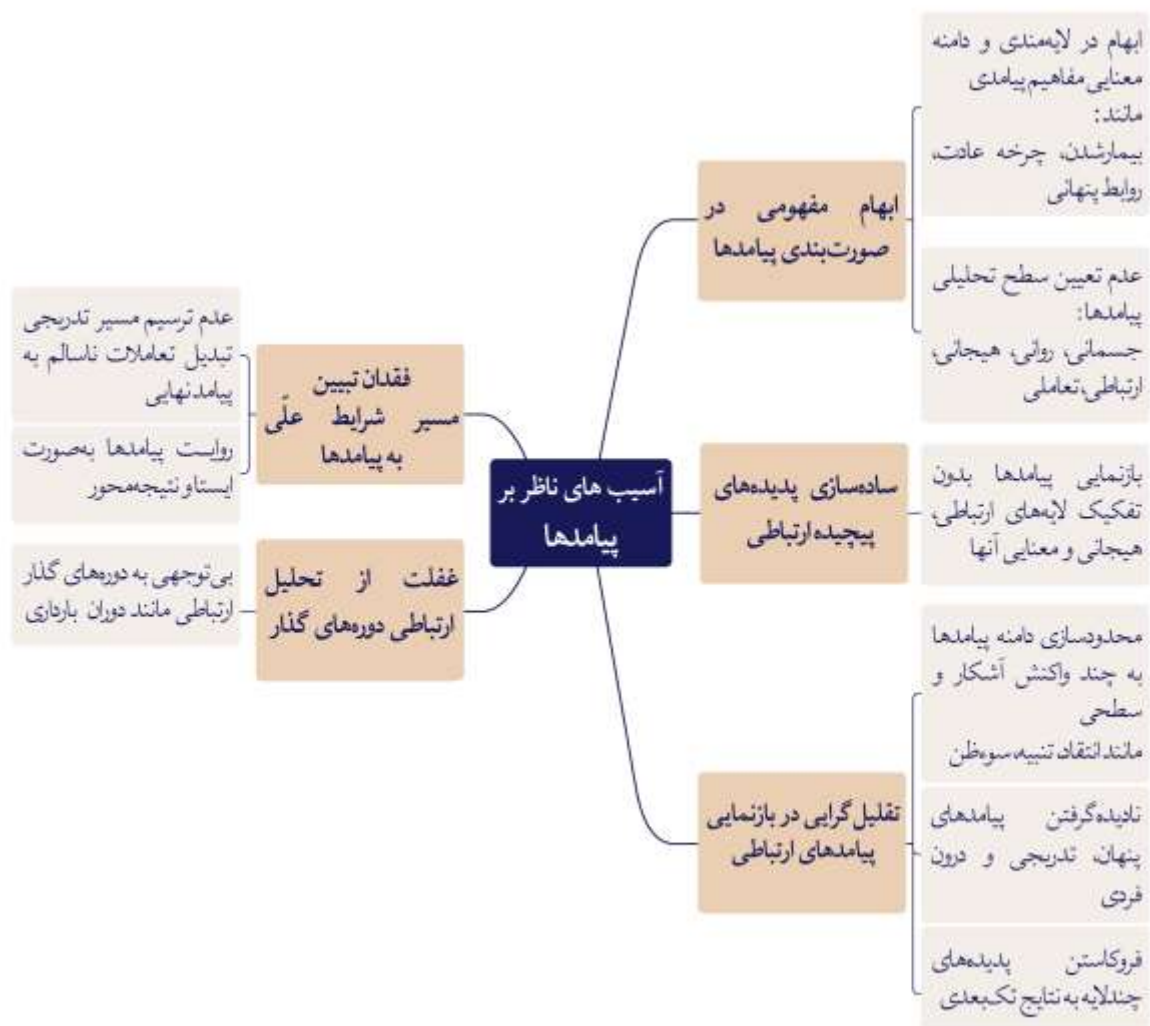
تحلیل شرایط زمینه ای بازنمایی شده در منابع مورد بررسی نشان می دهد که کاستی ها نه در اصل توجه به زمینه های شکل دهنده تعاملات زوجین، بلکه در شیوه فهم و صورت بندی آن ها ریشه دارد. در اغلب این منابع، زمینه های ارتباطی به صورت عواملی منفرد، ایستا و از پیش تعیین شده بازنمایی شده اند و در نتیجه، پویایی های رابطه ای و لایه های معنایی کنش های ارتباطی زوجین نادیده گرفته شده است. در این صورت بندی ها، زمینه ها بیشتر به مثابه «علت های آماده» تلقی شده اند تا بسترهایی پویا که در جریان تعاملات روزمره بازتولید و بازتعریف می شوند. تمرکز بر مؤلفه هایی چون فرهنگ، خانواده، تجربه های اولیه یا ویژگی های شخصیتی، اغلب بدون پیوند با فرآیندهای ارتباطی جاری انجام شده و به تضعیف نقش سطح میان فردی، زنجیره های تفسیری و کنش های متقابل واقعی زوجین انجامیده است. از این رو، مسائل ارتباطاتی به جای فهمی فرآیندی، به صورت تبیین هایی ساده شده و خطی ارائه شده اند. افزون بر این، ابهام مفهومی و فقدان تبیین سازوکارهای اثرگذاری زمینه ها، تحلیل ها را در سطح توصیف متوقف کرده و با غفلت از فرآیندهای درون فردی و عاملیت ارتباطی زوجین، نگاهی ایستا و شبه جبرگرایانه به روابط زناشویی را تقویت کرده است. بر این اساس، آسیب شناسی حاضر نشان می دهد فقدان نگاه ارتباط محور و فرآیندی چگونه به تقلیل پدیده های ارتباطی انجامیده و ضرورت بازتعریف شرایط زمینه ای در چارچوبی پویا، تعاملی و معنا محور را برجسته می سازد.



شکل ۷ آسیب‌های ناظر بر راهبردها

آسیب های ناظر بر راهبردها

بررسی کنش و کنش متقابل زوجین (راهبردها) در منابع مورد مطالعه نشان می دهد که این آثار در سطح توصیف، طیفی متنوع از کنش ها و واکنش های ارتباطی مسئله مند را بازنمایی کرده اند؛ از خاموش سازی گفت وگو و بی توجهی ارتباطی تا تراکنش های منفی تکرارشونده و کنش های نادرست کلامی و غیرکلامی. از حیث تنوع مصداق، این روایت ها تصویری نسبتاً جامع ارائه می دهند و اصل شناسایی کنش ها، فی نفسه محل آسیب نیست. آسیب اصلی که پژوهشگر آن را روایت کرده است، به نحوه صورت بندی این کنش ها بازمی گردد؛ جایی که بسیاری از منابع در سطح نام گذاری، اشاره یا داوری ارزشی متوقف مانده و از تبیین مفهومی، فرآیندی و ارتباط محور آن ها غفلت کرده اند. مفاهیمی چون سکوت، اشتباه ارتباطی، تعارض زناشویی، گفتگوهای ویرانگر یا نشانه های غیرکلامی، غالباً بدون تعریف دقیق، عملیاتی سازی ارتباطی و تبیین سازوکارهای اثرگذاری به کار رفته اند. در نتیجه، کنش های چندلایه به دلالت های تک معنا و پدیده های فرآیندی به رخدادهایی آنی فروکاسته شده اند. غفلت از ترسیم زنجیره های ارتباطی میان کنش، تفسیر، واکنش و پیامد، موجب شده است راهبردهای ارتباطی زوجین نه به مثابه فرآیندهایی پویا، بلکه به صورت برچسب ها یا توصیه هایی گسسته بازنمایی شوند؛ امری که ضرورت بازخوانی ارتباط محور و فرآیندی این راهبردها را برجسته می سازد.



شکل ۸ آسیب های ناظر بر پیامدها

آسیب های ناظر بر پیامدها

منابع مورد بررسی با وجود تنوع رویکردهای نظری، پیامدهای الگوهای ارتباطی ناسالم در روابط زوجین را در ساحت های شناختی، عاطفی، رفتاری و تعاملی بازنمایی کرده اند؛ از تغییر در تفسیرهای ذهنی و فرسایش عاطفی تا تثبیت الگوهای رفتاری ناسازگار و کنش های تعاملی مخرب. با این حال، آسیب های این بخش نه ناشی از کمبود مصداق، بلکه ریشه دار در ضعف صورت بندی مفهومی و فقدان تحلیل فرآیندی پیامدهاست. در بسیاری از منابع، پیامدها با مفاهیمی کلی و چندپهلوی مانند «بیمار شدن» یا «چرخه عادت» بیان شده اند، بی آن که سطح تحلیلی و ساحت ارتباطی آن ها روشن شود. همچنین، پیوند علی-پیامدی میان الگوهای ارتباطی و پیامدها غالباً تبیین نشده و پیامدها به صورت نتایج ایستا روایت شده اند؛ حال آن که از منظر علوم ارتباطات، پیامدها حاصل زنجیره های تدریجی از کنش، برداشت و واکنش اند. افزون بر این، ساده سازی پدیده های پیچیده و غفلت از پیامدهای پنهان، تدریجی و زمینه مند -

به‌ویژه در دوره‌های گذار رابطه‌ای - مشاهده می‌شود. در مجموع، پیامدهای روابط زوجین کمتر به‌مثابه فرآیندهایی پویا و چندسطحی فهم شده و بیشتر به نتایجی تقلیل‌یافته و فاقد تبیین ارتباط‌محور بدل شده‌اند؛ امری که ضرورت اصلاح ارتباطاتی پیامدهای روابط زناشویی در منابع واجد آسیب را برجسته می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با قرار دادن ادبیات کتاب‌های حوزه روابط زناشویی در معرض یک خوانش ارتباط‌محور، نشان داد مسئله اصلی این منابع کمبود اطلاعات درباره مسائل زوجین نیست، بلکه ضعف در صورت‌بندی، سطح‌بندی و تبیین ارتباطی این مسائل است. اهمیت این یافته در آن است که کانون تحلیل را از خود «عوامل مسئله‌زا» به «منطق دانشی بازنمایی مسائل» منتقل می‌کند. بدین ترتیب، مقاله حاضر به جای افزودن فهرستی دیگر از عوامل مؤثر بر تعارضات زناشویی، به لایه‌ای بنیادی‌تر از دانش این حوزه می‌پردازد؛ یعنی به این پرسش که ادبیات موجود اساساً مسائل ارتباطی زوجین را با چه دقت مفهومی، با چه انسجام تحلیلی، و با چه توان تبیینی بازنمایی می‌کنند.

نتایج پژوهش نشان داد که بخش مهمی از منابع بررسی‌شده، ارتباط را نه بعنوان هسته تحلیلی مسائل ارتباطی زوجین، بلکه به صورت متغیری جانبی، مهارتی منفصل، یا پیامدی ثانویه در نظر می‌گیرند. در نتیجه پدیده‌هایی که ذاتاً چندسطحی، تعاملی، فرایندی و معنا‌ساز هستند، اغلب در قالب صورت‌بندی‌هایی تقلیل‌یافته، ایستا یا ناهم‌تراز بازنمایی می‌شوند. از منظر نظری، این یافته مؤید آن است که بدون اتکاء به چارچوب‌های نظری علوم ارتباطات انسانی، فهم مسائل زوجین در معرض دو کاستی همزمان قرار می‌گیرد: از یک‌سو، مرزهای مفهومی آن مبهم می‌ماند و از سوی دیگر، سازوکارهایی که از خلال آن‌ها علل، زمینه‌ها، مداخله‌گرها، کنش‌های متقابل و پیامدها به یکدیگر پیوند می‌خورند، به درستی تبیین نمی‌شوند.

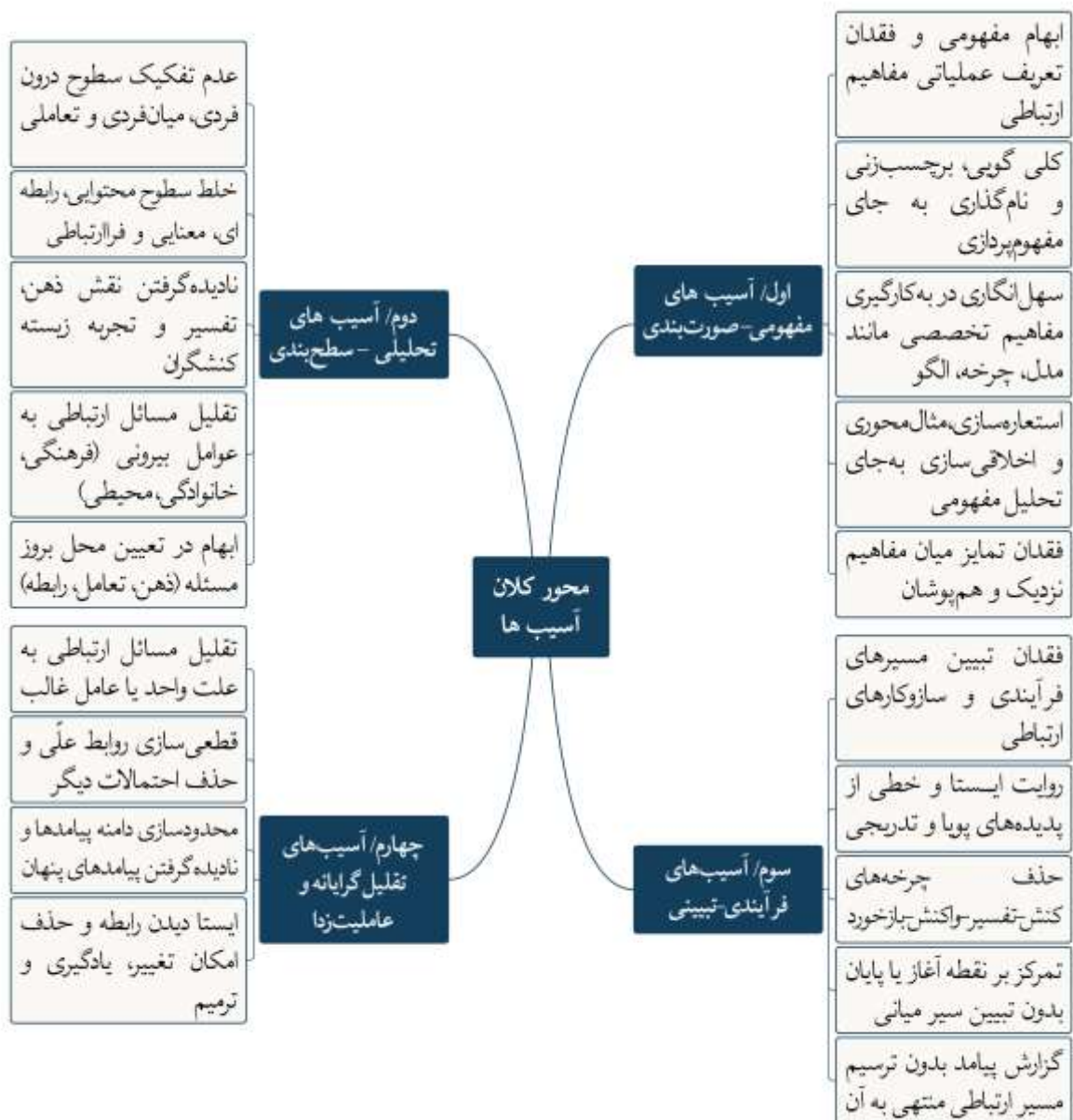
سهم نظری این پژوهش در آن است که نشان می‌دهد کاستی ادبیات موجود تنها در سطح «محتوا» یا «فقدان متغیرهای توضیحی» نیست، بلکه در سطحی عمیق‌تر، به ضعف در منطق ارتباطی تولید دانش بازمی‌گردد. به بیان دیگر، این مطالعه آشکار می‌سازد که بخشی از نارسایی فهم موجود از روابط زوجین، نه صرفاً ناشی از پیچیدگی خود پدیده، بلکه ناشی از شیوه‌ای است که این پدیده در منابع علمی، آموزشی و ترویجی صورت‌بندی می‌شود. از این حیث، پژوهش حاضر نوعی جابه‌جایی تحلیلی مهم را پیشنهاد می‌کند: گذار از تمرکز بر «چه عواملی مسئله‌سازند» به تمرکز بر «مسائل ارتباطاتی زوجین چگونه باید در سطح ارتباطات مفهوم‌پردازی و تبیین شوند».

این جابه‌جایی، دلالت‌های علمی مهمی نیز به همراه دارد. نخست، برای مطالعات نظری حوزه خانواده، یافته‌ها بر ضرورت ادغام منسجم‌تر مفاهیم بنیادین علوم ارتباطات انسانی در تحلیل روابط زوجین تأکید می‌کند؛ مفاهیمی مانند فرایندی‌بودن ارتباط، چرخه‌مندی تعامل، چندلایگی معنا، تمایز سطوح درون‌فردی و میان‌فردی، و نقش عاملیت متقابل زوجین در تولید و بازتولید الگوهای ارتباطی. دوم، از منظر روش‌شناختی، این پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل محتوای کیفی معطوف به «نحوه بیان» می‌تواند ابزاری مؤثر برای نقد ادبیات موجود باشد؛ زیرا به جای اکتفاء به استخراج مضامین آشکار، امکان ارزیابی کیفیت مفهوم‌پردازی، شیوه بازنمایی و ظرفیت تبیینی متن را نیز فراهم می‌سازد. سوم، از منظر کاربردی، نتایج پژوهش هشدار می‌دهد که اتکای برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و مداخله‌ای به منابعی که

فاقد صورت‌بندی ارتباط‌محور دقیق‌اند، می‌تواند به بازتولید توصیه‌های هنجاری، مهارت‌محور و ساده‌ساز بینجامد؛ توصیه‌هایی که اگرچه در ظاهر عملی‌اند، اما لزوماً به درک و اصلاح سازوکارهای واقعی تعامل زوجین منجر نمی‌شوند. در همین راستا، چهار محور کلان آسیب‌های شناسایی شده را می‌توان نه صرفاً به‌عنوان طبقه‌بندی نتایج این مقاله، بلکه به‌عنوان یک چارچوب انتقادی اولیه برای ارزیابی تولیدات دانشی این حوزه در نظر گرفت: (۱) آسیب‌های مفهومی - صورت‌بندی، (۲) آسیب‌های تحلیلی - سطح‌بندی، (۳) آسیب‌های فرایندی - تبیینی، و (۴) آسیب‌های تقلیل‌گرایانه و عاملیت‌زدا. ارزش این چارچوب در آن است که می‌تواند مبنایی برای بازنگری در تألیف، آموزش، ارزیابی و حتی طراحی مداخلات مبتنی بر ادبیات زوجین فراهم سازد. به بیان دیگر، پژوهش حاضر تنها به توصیف نارسایی‌های موجود بسنده نمی‌کند، بلکه معیاری تحلیلی برای تشخیص و اصلاح آن‌ها پیشنهاد می‌دهد.

البته یافته‌های این پژوهش در پرتو محدودیت‌های آن باید فهم شود. اتکای مطالعه به کتاب‌ها موجب می‌شود که نتایج، ناظر به نحوه بازنمایی دانش موجود باشد، نه لزوماً تمامیت تجربه زیسته زوجین یا همه سازوکارهای ارتباطی در میدان واقعی. با این حال، همین محدودیت در عین حال بخشی از اهمیت پژوهش را نیز شکل می‌دهد؛ زیرا نشان می‌دهد پیش از ورود به سطح مداخله و تجویز، خود ادبیات مبنا نیز نیازمند بازبینی انتقادی است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی، از یک‌سو به بازسازی مفهومی ادبیات زوجین با اتکاء به نظریه‌های ارتباطات انسانی بپردازند و از سوی دیگر، از طریق مطالعات میدانی و تجربی، اعتبار و کارآمدی سازوکارهای ارتباطی صورت‌بندی‌شده در این پژوهش را در بستر واقعی روابط زوجین مورد آزمایش قرار دهند.

در مجموع، دستاورد اصلی این پژوهش آن است که نشان می‌دهد مسئله در ادبیات زوجین فقط «چه گفته می‌شود» نیست، بلکه به همان اندازه «چگونه گفته می‌شود» نیز اهمیت دارد. هرچا بازنمایی مسائل زوجین از منظر ارتباطی دقیق، چندسطحی و فرایندی فاصله بگیرد، فهم حاصل نیز ناگزیر ناقص، سطحی و گاه گمراه‌کننده خواهد بود. از این‌رو، توجه به چارچوب‌های نظری ارتباطات انسانی نه یک افزوده حاشیه‌ای، بلکه شرطی بنیادین برای ارتقای اعتبار علمی و کارآمدی عملی دانش این حوزه است.



شکل ۹ محور کلان آسیب شناسی منابع کتابخانه ای

منابع

۱. فارسی

- افشاری کاشانیان، امید. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی در زنان (رساله دکتری) دانشگاه خوارزمی، پردیس بین‌الملل. تهران، ایران.
- بک، آرون تی. (۱۴۰۲). عشق هرگز کافی نیست (ترجمه مهدی قراچه‌داغی؛ اثر اصلی ۱۹۸۸). تهران: ذهن آویز.
- جانسون، سوزان ام. (۱۳۹۷). محکم در آغوشم بگیر (ترجمه سمانه پرهیزکاری؛ اثر اصلی ۲۰۰۸). تهران: میلکان.
- جعفری، علی، شجاعی، مسلم و دلبری، سید محمد. (۱۴۰۳). بررسی تعاملات و روابط عاطفی میان اعضای خانواده در دوران کرونا (مورد مطالعه: شهر تهران). *جامعه فرهنگ رسانه*. ۱۳ (۵۲). ۲۴۶-۲۲۳.
- دی آنجلس، باربارا. (۱۴۰۱). آنچه زنان می‌خواهند مردان بدانند (ترجمه نسرين گلدار و ناهید رشید؛ اثر اصلی ۱۹۹۹). تهران: آسیم.
- شیخیگللو، توران، عباسی، حجت اله، کریمی، محمدرضا و ربیعی، مهناز. (۱۴۰۲). طراحی مدل تولید فیلم در سینمای ایران با رویکرد تحکیم خانواده. *جامعه فرهنگ رسانه*. ۱۲ (۴۸)، ۱-۱۸.
- فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۹۷). ارتباطات انسانی (جلد ۱، چاپ بیست و هفتم). تهران: رسا.
- قاسمی، حمید و همکاران. (۱۴۰۰). مرجع پژوهش (ویراست نوزدهم). تهران: اندیشه آرا.
- قاسمی طوسی، محمداسماعیل. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر فروپاشی نظام خانواده و راه‌های پیشگیری و درمان آن از منظر قرآن و روایات (رساله دکتری). دانشگاه معارف اسلامی قم، دانشکده قرآن و متون اسلامی. قم، ایران.
- گری، جان. (۱۹۵۱). چگونه به همسر خود عشق بورزیم (ترجمه مینا امیری). تهران: هومیس.
- گری، جان. (۱۹۹۲). مردان مریخی، زنان ونوسی (ترجمه مهدی قراچه‌داغی). تهران: ذهن آویز.
- گیدنز، آنتونی. (۲۰۰۱). جامعه‌شناسی (حسن چاووشیان، مترجم). تهران: نی.
- محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۹۶). ارتباط‌شناسی ۲. (چاپ هجدهم، اثر اصلی ۱۳۶۹). تهران: سروش.
- محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۹۶). ارتباطات انسانی (چاپ چهارم، اثر اصلی ۱۳۹۱). تهران: سمت.
- مدیری، فاطمه و رحیمی، علی. (۱۳۹۶). بررسی روابط میان زوجین در گذر تاریخ. *جامعه فرهنگ رسانه*. ۱۳۹-۱۵۸. ۶(۲۲).
- مقصودی، منیژه. (۱۳۸۶). انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی. تهران: شیرازه.
- میثاق، ابراهیم. (۱۴۰۱). ویروس‌های ارتباط (چاپ ششم). اصفهان: مهرستان.
- نعیمی، ابراهیم و کاظمیان، سمیه. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی کارکردهای جنسیتی زوجین در خانواده از دیدگاه قرآن. *مجله فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۲۰، ۱-۲۳.

- جان بزرگی، مسعود، دولتخواه، محمد، سقای بی ریا، ناصر و رسول زاد طباطبایی، کاظم (۱۳۹۷). نقش تصورات منفی در روابط زوجین و راهکارهای درمان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۲۵، ۹-۲۸.
- صادقی فسائی، سهیلا و ملکی‌پور، زینب (۱۳۹۲). تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین: مصادیق و زمینه‌های شکل‌گیری. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۴۰، ۱-۲۸.

۲. منابع

- Adler, R. B., Rodman, G., & du Pré, A. (2009). Understanding human communication (10th ed.). Oxford University Press.
- Afshari Kashanian, O. (2018/1397). Identifying factors contributing to marital infidelity in women (Doctoral dissertation). Kharazmi University, International Campus. Tehran, Iran. **[In Persian]**
- Beck, A. T. (2023/1402). Love Is Never Enough (M. Qaracheh-Daghi, Trans.; Original work published 1988). Tehran, Iran: Zehn-e Aviz. **[In Persian]**
- Braddock, R., (1958). "An Extention of the Lasswell formula". Journal of Communication.
- De Angelis, B. (2022/1401). What Women Want Men to Know (N. Goldar & N. Rashid, Trans.; Original work published 1999). Tehran, Iran: Asim. **[In Persian]**
- Ebrahim Naeimi, S., & Kazemian, S. (2014/1393). Pathology of spouses' gender role functions in the family from the perspective of the Qur'an. Journal of Counseling Culture and Psychotherapy, 20, 1–23. **[In Persian]**
- Farhangi, A. A. (2018/1397). Human Communication (Vol. 1, 27th ed.). Tehran, Iran: Rasa. **[In Persian]**
- Fitzpatrick, M. A., Vance, L., & Witteman, H. (1984). Interpersonal communication in the casual interaction of marital partners. Journal of Language and Social Psychology, 3(2), 81–95. <https://doi.org/10.1177/0261927X8400300201>
- Ghasemi Toosi, M. E. (2015/1394). Factors influencing the disintegration of the family system and methods of prevention and treatment from the perspective of the Qur'an and narrations (Doctoral dissertation). University of Islamic Sciences of Qom, Faculty of Qur'an and Islamic Texts. Qom, Iran. **[In Persian]**
- Giddens, A. (2001). Sociology (H. Chavoshian, Trans.). Tehran, Iran: Ney. **[In Persian]**
- Gray, J. (1951). How to Love Your Spouse (M. Amiri, Trans.). Tehran, Iran: Homis. **[In Persian]**
- Gray, J. (1992). Men Are from Mars, Women Are from Venus (M. Qaracheh-Daghi, Trans.). Tehran, Iran: Zehn-e Aviz. **[In Persian]**
- Homans, G. C. (1958). Social behavior as exchange. American Journal of Sociology, 63(6), 597–606. Tehran: Milkan. <https://doi.org/10.1086/222355>
- Jafari, A., Shojaei, M., & Delbari, S. M. (2024/1403). Investigation of emotional interactions and relationships among family members during the Corona era (Case study: Tehran). Journal of Society, Culture and Media, 13(52), 223–246. **[In Persian]**. [doi:10.22034/scm.2024.178995](https://doi.org/10.22034/scm.2024.178995)
- Janbozorgi, M., et al. (2018/1397). The role of negative perceptions in couples' relationships and therapeutic strategies from the perspectives of Islam and psychology. Islamic Research Journal of Women and Family, 25, 9–28. **[In Persian]** [Dor:20.1001.1.25386190.1397.6.1.1.2](https://doi.org/10.25386/190.1397.6.1.1.2)
- Janbozorgi, M., & Panahi, A. A. (2017/1396). Psychology of Women and Men (3rd ed.). Tehran, Iran: Research Institute of Hawzah and University. **[In Persian]**

- Johnson, S. (2018/1397). *Hold Me Tight* (S. Parhizkari, Trans.; Original work published 2008). Tehran, Iran: Milkan. **[In Persian]**
- Mithaq, A. (2022/1401). *Communication Viruses* (6th ed.). Tehran, Iran: Mehrestan. **[In Persian]**
- Maqsoodi, M. (2007/1386). *Anthropology of Family and Kinship*. Tehran, Iran: Shirazeh. **[In Persian]**
- Modiri, F., & Rahimi, A. (2017/1396). Investigation of spousal relationships through history. *Journal of Society, Culture and Media*, 22(6), 139–158. **[In Persian]**
- Mohsenian-Rad, M. (1990/1369). *Communication Studies*. Tehran, Iran: Soroush. **[In Persian]**
- Mohsenian-Rad, M. (2017/1396). *Human Communication* (4th ed.). Tehran, Iran: SAMT. **[In Persian]**
- Mpepo, V. (2017). *Impact of social media on interpersonal communication relationships amongst couples in Tanzania* (Doctoral dissertation).
- Namdari, F., & Honarparvaran, N. (2019/1398). Investigating the impact of premarital interaction with the opposite sex on couples' relationships: A qualitative study. *Afaq Journal of Humanities*, 3(26), 87–109. **[In Persian]** <https://doi.org/10.22054/qccpc.2014.1682>
- Noller, P. (1980). Misunderstandings in marital communication: A study of couples' nonverbal communication. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39(6), 1135–1148. <https://doi.org/10.1037/h0077725>
- Sadeghi Fasaei, S., & Maleki-Pour, Z. (2013/1392). Gender analysis of distance in couples' relationships: Instances and formation contexts. *Islamic Research Journal of Women and Family*, 40, 1–28. **[In Persian]** <https://doi.org/10.22059/jwdp.2013.35472>
- Sheikbiglou, T., Abbasi, H. E., Karimi, M., & Rabiei, M. (2023/1402). Designing a film production model in Iranian cinema with a family strengthening approach. *Journal of Society, Culture and Media*, 12(48), 1–18. **[In Persian]**